

## د فلوریدا د واپونو کارگران

لنگستن هیوز

دا دی یو واپ جوړوم

څو موټرې ورباندې تیرې شي،

یو واپ جوړوم

د خرما د ونو تر منځ

څو رڼا او تمدن

ورباندې تیر شي

یو واپ جوړوم

د زړو او خرپولو سپین پوستکو لپاره

څو په خپلو لویو موټرو سره ورباندې تیر شي او

ما دلته هک پک پریردي.

په دې ښه پوهیږم

چې دا واپ د ټولو په ګټه دی:

سپین پوستکي په خپلو موټرو کې سپریري

زه هم د هغوې سپریدل نداره کوم.

تر اوسه پورې مې هیڅکله نه و لیدلي

چې څوک دې دومره ښایسته موټر وچلولي.

آهای ملګرو!

په تمه ووسی:

یو واپ جوړوم!

عکس از زیار



## زیار

## ای قلم بنویس، برای آه و درد و قهر کودکان ما بنویس!

سید سجاد «سادات»

ای قلم به جای اینکه از سیاهی می نویسی، از نور بنویس؛ به جای اینکه از ظالم و ستمگر می نویسی از زحمتکشان دیار افغان زمین بنویس که از اولین روشنی صبح تا غروب آن روشنی، هر لحظه زحمت می کشند و لحظه ای از زحمت کشیدن دست بر نمیدارند. ای قلم به جای اینکه برای قاتلان می نویسی، برای کودکانی بنویس که هر دم قربانی بمباردمان و جنگ و جنایت اربابان خارجی می شوند؛ از آسانی بنویس که زحمت می کشند، کار می کنند، ولی گرسنه می میرند. از آن قلب کوچک، از آن سیمای نازنین کودکانه بنویس

که چه جنایتبارانه مورد تجاوز جانوران انسان نما قرار می گیرند؛ از اشک، از آه، از درد، از قهر آنان بنویس؛ اگر می توانی بنویسی، پس رساتر بنویس!

ای قلم از کودکان زحمت کش سرزمین من بنویس که هر لحظه شان به این تشویش سپری می شودکه چگونه هر شام پس از دویدن، برخاستن و عرق ریختن روزانه و تحمل سردی و گرمی، تلاش دارند که قربانی جنایت اربابان و نوکران نشوند و سالم به کلبه غربیانه شان برگردند، اما دردا...

ای قلم می توانی بنویسی، پس رساتر بنویس! ★

## مصاحبه کوتاه با سید رحیم کارگر

زیار: برادر عزیز خود را به خوانندگان نشریه زیار معرفی کنید: - مه سیدرحیم استم، از ولایت بامیان آمده ام، باشنده یکه ولنګ ام. زیار: سید رحیم جان، چرا منطقه را ایلا کده به کابل آمده ای؟ زیار: مجبوریست مه را تا کابل آورده. یک عده پولداره و زورمنده، به خاطر سیل و ساتیری کابل میانین که کابله تماشا کنن، مه بری پیدا کدن کار و کاسبی آمدم.

زیار: از کارت راضی هستی؟

- راستش را اگر بیرسی، نه به خدا راضی نیستم. هر صبح وختی سر چوک میرم، انتظار می کشم تا

کرایه خانه بتم، پول برق بتم، دوا بخرم و یا برای اولادیم که چشم به نان استن، نان و لباس بخرم. کتی ای سه و نیم صد مه چه کنم؟ زیار: چه کارهایی را بلد هستی؟ - نجاری، معماری، سنگ کاری کده می تانم، اما چه فایده، کار نیس، اگر کار هم باشه بره مه نیس چون نه پول دارم نه واسطه. ده دولت امروز کار

کسی مره به کار بیره، اول خو بسیار کم پیدا میشه و اگر پیدا هم شوه باید ده تا یازده ساعت کار کنم که ده مقابلش به مه سه و نیم صد افغانی میتن. مه این سه و نیم صده

کسی مره به کار بیره، اول خو بسیار کم پیدا میشه و اگر پیدا هم شوه باید ده تا یازده ساعت کار کنم که ده مقابلش به مه سه و نیم صد افغانی میتن. مه این سه و نیم صده

زیار: چرا دهقانی را ماندی؟

— چند سال اس که بامیان

## زیار

د زیار کښانو هنداره



کار، نان، لباس، خانه  
برای زحمتکشان

عقرب ۱۳۹۰

نشریه انجمن اجتماعی زحمتکشان افغانستان

شماره پنجم

## میلیار دونه ډالره او بیا هم اووه میلیونه بیوزلي؟؟



عکس از زیار

بیوزله هغه چا ته ویل کیږي چې د ژوندانه د تیرولو لپاره هېڅ څه ونلري. نه کافي ډوډی لري، نه کور لري، نه جامې لري، نه دوا او درمل اخیستلی شي، نه ډاکټر ته تللی شي، اولادونه یې مکتب نشي لوستلی، تل کار کوي، زحمت باسي، خوله تویوي خو بیا هم ژوند یې هېڅ نه ښه کیږي او تل په لوږې او بیوزلی کې ژوند تیروي. زموږ په هیواد کې بیوزله اکثرا هغه کارگران دي چې د سرمایه دار لپاره کار کوي، هغه دهقانان دي چې د

## خشکسالی، دهقانان را فقیرتر می سازد

در حدود هشتاد در صد باشندگان ولایت بامیان را مردم زحمتکش تشکیل می دهد که اکثر آنان مصروف دهقانی و مالداری می باشند. زندگی اکثر خانواده ها از طریق جمع آوری محصولات زراعتی، پرورش و فروش مواشی تامین میگردد. اما بدبختانه خشکسالی امسال سبب شده است که حاصلات دهقانان کم شود و مواشی مالداران به خاطر نبود علوفه و آب فراوان تلف گردد که این خود زندگی دهقانی و مالداری را سختتر ساخته و عاید دهقانان و مالداران را کمتر می سازد، یعنی دهقانان و مالداران به خاطر خشکسالی فقیر تر می شوند.

دهقانان و مالداران ولسوالی های پنجاب، ورس، یکه اولنگ، سیغان، شیر و کهمرد به خاطر خشکسالی در وضعیت بسیار بد بسر می برند. خشکسالی سبب شده است که دهقانان در حدود ۴۰ درصد زمین های شان را کشت نکنند و یک تعداد از زمین هایی که هم کشت شده است به خاطر کمی آب حاصلش سوخته و دهقانان تاوان های زیادی را متحمل شده اند. کمبود حاصلات زراعتی باعث کمبود غله شده و قیمت غله زندگی شان خرابتر شود. ★

او طاقت پرته بل څه نلري. په مجموعي توگه د افغانستان ډیر خلک فقیران او بیوزله دي، ډیر لږ شمیر کسان پیدا کولی شو چې شتمن دي او دومره پیسې لري چې حتی سپي هم په لنډکرو زرو کې چکرې وهي. فقیر لټ او تښل نه دی، بیکاره هم نه دی، د پانگوالو او شتمنو په شان بی غیرته

او بی ننگه هم نه دی چې د بل چا حق وخوري او پیسې یې غلا کړي. لکه خرنگه چې مو وویل زحمت کاري او شپه او ورځ په گرمۍ او یخنې کې کار کوي. خو اوس د کرنۍ وزارت اعلان کړی چې دا وخت په افغانستان کې ۷ میلیونه کسان د فقر د کرښې لاندې ژوند کوي چې څه باندې دوه نیم میلیون یې د دهقانانو طبقه جوړوي. که څه هم دا شمیره ډیره لږه ده او بیوزله او فقیران له اوو میلیونو څخه د ډیر زیات دي (۳) مخ

## زنان زحمتکش یکاولنگ. زنان شجاع و با فرور

سیما سوژا

یكاولنگ، نام آشنا برای همه مردم است. این ولسوالی که در ولایت بامیان قرار دارد از ولسوالی هایی است که مردم ستمدیده آن بیشترین زجر و درد را تجربه کرده اند. تنها در قتل عام طالبان نزدیک به ۳۵۰ دهقان، کارگر، معلم، اهل کسبه و شاگرد در این ولسوالی با بیرحمی و جنایت تیرباران شدند. اما همسران، مادران، خواهران و دختران این زحمتکشان شهید، با وجودی که هنوز و تا آخر عمر درد نبود عزیزان شان را احساس می کنند، اما ثابت ساختند که زنان زحمتکش تسلیم شدن را قبول ندارند و مثل زنان سرمایه داران و خان ها و سران تنظیم ها نیستند که با یک سر

دردی، آخ و اف راه بیاندازند.

زنان زحمتکش یكاولنگ زنده ماندند تا فرزندان زحمتکشان شهید شان را پرورش بدهند، به آنان حقایق تلخ زندگی را یاد بدهند و به آنان قصه



عکس از زیار

## موسسه و دولت، زحمتکشی را به خاطر فقرش مجازات کردند

استاد محمد مشهور به "محمد فزیک" که از فاکولته ساینس فارغ و بیش از ۲۵ سال می شود برای فرزندان زحمتکشان بامیان در مکاتب مختلف تدریس می نماید، از جمله استادان لایق و دلسوز بامیان بوده که عمری را در بلند بردن سطح آگاهی فرزندان مردمش سپری نموده است و به حق که در میان شاگردان و خانواده های شاگردانش در ولسوالی یکاولنگ محبوبیت خاص دارد و در هر جا از او به حیث یک انسان شریف و پاک نام برده می شود. شاگردان زیادی با استادی او به پوهنچی های بالا راه یافته و فارغ گردیده اند. این استاد عزیز در دوران جنگ های تنظیمی با وجودی که معاشی در کار نبود، باز هم دست از وظیفه و مسوولیت اش برنداشته و با آنکه خانه اش از «لیسه ده سرخ و لیسه مرکز»

## خشکسالی، دهقانان را فقیرتر می سازد



فراوان تلف گردد که این خود زندگی دهقانی و مالدارۃ می کنند. وضعیت مالداران نیز روز به روز بدتر می شود، از آنجائیکه نمی توانند بدون علوفه مواشی شان را نگه دارند، ناچار آترا با قیمت کم به فروش می رسانند و خود به شهر می آیند و در چهارراهی ها منتظر کارگری می مانند.

در حالیکه در بامیان دریاهای خورد و کلان مثل دریای بند امیر در ولسوالی یکه اولنگ، دریای پنجاب در ولسوالی پنجاب، دریای ورس در ولسوالی ورس، دریای کهمرد در ولسوالی کهمرد، دریای پای موری و کالو در ولسوالی شیر، دریای فولادی، سرخدر، دکانی، سمارهٔ آهنگران در مرکز بامیان جریان دارد، اما به خاطر نبود یک دولت طرفدار مردم زحمتکش، این آب ها ضایع می شود و دهقانان و مالداران زحمتکش مجبور هستند به خاطر خشکسالی تاوان های زیادی را بپذیرند و زندگی شان خرابتر شود.

☆

در حدود سه ساعت پیاده فاصله داشت، هر روز با جدیت به وظیفه اش حاضر می شد، چون باور داشت که فرزندان پابرهنه زحمتکشان منتظرش هستند تا از او چیزی بیاموزند و او وظیفه و رسالت دارد تا به خواست آنان رسیدگی نماید.

شد و مدت یک سال به تدریس استادان پرداخت. درین اواخر که در لیسه ده سرخ ولسوالی یکاولنگ وظیفه داشت و استادان این لیسه را درس می داد، روزی رئیس معارف بامیان محمد رضا "اداء" به لیسه ده سرخ آمده و بالای استاد محمد به خاطر اینکه با دریشی به مکتب نیامده بود پرخاش نمود. استاد محمد هم در جواب او با شهامت یک استاد واقعی می گوید: «من مکلف به اجرای دستور تو نیستم.» این حرف در شان "اداء" گران آمده و برای استاد محمد اخطار منفکی می دهد و بعد از اینکه رئیس معارف به بامیان می آید به مسوول موسسه CoAF تلفن می کند که استاد محمد باید از وظیفه منفک شود. بدین ترتیب استاد محمد به خاطر اینکه توان خرید دریشی را نداشت، از وظیفه منفک

## زیار

## سیرت

میگردد. لابد آقای "اداء" استاد محمد را مانند خود پولدار فکر کرده بود که می تواند دریشی های اتو شده با نکتایی های مقبول بپوشد، چون خود رئیس است و رئیس ها هم در این دولت، افراد پولدار می باشند، از این خاطر بی پولی و ناداری یک زحمتکش آنهم معلم توانا و صادق برای او مفهوم شده نمی تواند. این سرگذشت دردناک معلم محمد نشان می دهد که موسسات در افغانستان چگونه با دولت کنونی ضد زحمتکشان عمل می کنند و اگر هزار بار این موسسات بنام های جامعه مدنی، دادخواهی، حقوق بشری در اطراف وزیر خارجه امریکا خندان و شادان حلقه بزنند، مردم زحمتکش ما هر دوی آنها را به خوبی شناخته اند و همینست که هزاران بار آنها را نفرین باران می کنند. ☆

اگر دستم رسد به چرخ گردون

از او پرسم که این چین است و آن چون

یکی را داده بی صد ناز و نعمت

یکی را نان جو آورده در خون

### زحمتکشان کی ها هستند؟

زحمتکش به گروه وسیعی از انسان ها گفته می شود که شب و روز تلاش می کنن تا ضروریات اولیهٔ زندگی خود را به دست آورده و حداقل امکانات زندگی را برای خود و خانواده خود آماده کنن. زحمتکشان شامل کارگران، دهقانان، معلمان، ماموران پائین رتبهٔ دولتی، کراچی وان ها، موچی ها، سلمان ها، دستفروشان، نانواها، شاگردان مستری خانه ها وغیره می باشند.

زحمتکش برای زنده ماندن خود و خانوادهٔ خود، نزد کسیکه کارخانه یا شرکت و یا هم زمین زراعتی داره کار می کنه و تنها چیزیکه زحمتکش در جریان کار از آن استفاده می کنه، انرژی است که بعد از خوردن غذا در بدن اش ذخیره می شه؛ این انرژی تنها چیزی اس که زحمتکش از فروش آن میتوانه به خود و فامیل خود خوراک، پوشاک، دوا، سرپناه و بعضی ضروریات اولیهٔ دیگهٔ زندگی ره خریداری و تهیه کنه.

زحمتکش تنها از نیروی کار خود استفاده میکنه و به نیروی کار دیگرا وابسته نیست، در حالیکه ثروتمندا به نیروی کار یا انرژی دیگران وابسته استن و پول شان را با خریدن ارزان طاقث و انرژی زحمتکشان بدست می آورن. پس، زحمتکشان مجبوراً باید هر روز کار کنن تا مصارف خود و فامیل خوده پیدا کنن. با آنکه هر انسانی ضرورت به تفریح و استراحت داره، اما زحمتکشان نمی توانن استراحت یا تفریح کنن، چراکه اگر یک ص(۳)

#### شماره پنجم

### میلیاردونه دالره او…

تولې د خپلو جاسوسانو لپاره کاروي، د هغه چا لپاره يې کاروي چې د بهرنيانو نوکري وکړي، غلامي وکړي، وطن ورباندې خرڅ کړي او هر ډول بی ننگی ته حاضر وي. زیارکښان نه یوازې د بهرنیو جاسوسي نه کوي، د بهرنيانو نوکري نه کوي، غلامي يې نه کوي، خپل وطن نه خرڅوي او بي ننگي په هيڅ ډول نه مني، بلکې هر هغه څوک چې دا شرمناکه کارونه کوي د هغوي په ضد دي او هغوي د وطن دښمنان گڼي، نو همدا علت دی چې بهرنيان دا

### زنان زحمتکش…

را برای همیشه نابود کنند. زنان یکاولنگ که ۹۹درصد آن از خانواده های دهقانان، کارگران و اهل کسبه می باشند، در بدترین وضعیت زندگی بسر می برند. اولادهای شان پابرهنه هستند، زمستان سرد یکاولنگ را بدون چوب و زغال می گذرانند، در طولبه حیوانات ولادت می کنند، به دوا و داکتر دسترسی ندارند و در حالات قحطی علف خورده اند و حتی مجبور شده اند که جگر گوشه های شان را به فروش برساند ولی زانای با همتی هستند که با عرق ریزی، آبله دست و

### مصاحبه کوتاه با سید رحیم…

و فهمیدگی مهم نیس همه چیز واسطه و پول اس.

زیار: چند تا طفل داری؟

- چهار تا، یک بچه و سه تا دختر اس.

زیار: فرزندانم مکتب میروند؟

- دو تایش گاه میره گاه نه میره، چون وسایلی که به مکتب ضروری است، برای شان خریده نمی تانم. زیار: سید رحیم جان از دولت راضی استی؟ -ای دولت خو دولت ما غربیا نیس، دولت زورمنداس. هر چه که هم داد بزنم برای ما کسی کار نمیته. اگر دولت زحمتکشا می بود، زحمتکشا را بری دزدی گگک های خورده که از روی مجبوریت می کنن، بندی نمی کدن، ولی چون دولت پولدارا اس، کسای که کابل بانکه دزی کدن هنوز هم سات شان تیر اس. ازی خاطر مه از دولت هیچ تقاضا ندارم. تقاضای مه از زحمتکشا اس که باید درد یکدیگه را بفهمن و یکدیگه ره کمک کنن. اگه ما یکدیگه را کمک کنیم پولیس و شاروالی نمیتانه کراچی و مواد فروشی ما را ده دریا پرته و ما را کنی لغت بزنه. زیار: تشکر رحیم جان، که با ما در دل کردی.

## زیار

پيسې د زيار کښانو لپاره نشي کارولۍ. بهرنيان او کورني سرمايه داران، تاجران، خانان او اربابان چې د بهرنيانو نږدې انډيوالان دي، هميشه غواړي چې يوزلي لا په يوزلي او فقر کې وساتي خو تل په کار کې مصروف وي او هيڅکله سياسي پوهې او آگاهۍ ته ونه رسيږي، که چيرې سياسي آگاهۍ ته ورسيږي نو بيا د زيارکښانو د مټ زور ټولو ظالمانو او ستمگرانو ته معلوم دی او هيڅ ظالم د هغې مخې ته ودریدلی نشي. تر څو چې بهرنيان په هيواد کې وي او

شاخدارۍ است که خاصه ستمگران می باشد.

عده ای بودند که از این زنان درجن درجن فلم و عکس گرفتند و در "بازار سیاه کمک" به فروش رساندند، عده ای در هر انتخابات سرکاری به مناطق این زنان زحمتکش سر میزنند تا با دروغ و فریب رأی شان را دزدی کنند، عده ای هستند که بنام حقوق زن، این زنان زحمتکش را به تجارت انجوبی شان تبدیل کرده اند، عده ای هستند که بنام بیوه و یتیم از نداشتن آگاهی این زنان معصوم ولی زحمتکش استفاده های ناروای پولی و سیاسی می کنند، اما دیگر معلوم می شود که برخی از زنان زحمتکش این ولسوالی

### زحمتکشان کی ها…

همین اکنون اکثریت مردم کشور ما زحمتکش هستن، با هزار رنج و درد کار می کنن. زحمت فراوان می کشن، در هر جا در هر ولایت در هر کارخانه، کوره خشت پزی، زمین، باغ و شرکت کار می کنن. اما یک تعداد بسیار کم در افغانستان که تعداد شان از دو تا سه هزار نفر زیاد نیس، هیچ کار نمی کنن و یا کارهای تفریحی و ساده را انجام میتن، ولی اکثریت مردم مجبور هستن برای شان کار کنن. این افرادی که کار نمی کنن، در عین زمان دزدی می کنن، اختلاس هم می کنن، پول مردم را هم می دزدن و هیچ رحمی بالای مردم زحمتکش ندارن، بخاطریکه اگر رحم کنن پول پیدا کده نمی توانن، ازی خاطر اس که سرمایه داری یک سیستم بسیار بی رحم و ظالم اس و بر زحمتکشان عزیز است که باید برای دفاع از حق خود بیدار و دست به کار شون. چرا که حق داده نمیشه بلکه حق گرفته میشه. زحمتکشان راهی غیر اتحاد با سایر زحمتکشان ندارن، و این اتحاد از طریق اشتراک در اتحادیه ها، انجمن ها و شوراهای مختلف زحمتکشان میسر است که انجوبی و پولی نباشه یا رابطه با کشور های خارجی نداشته باشه، از خود زحمتکشان باشه و در خدمت زحمتکشان باشه! ☆

### ۳

